



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشدیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۰۸۸۶۵۴۳۹۰، شماره: ۰۲۱۹-۸۸۸۰۰۷۱۹، تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز، تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز، تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharhgdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۱:۴۸ آذان مغرب ۱۷:۲۷ آذان صبح فردا ۵:۰۳ طلوع آفتاب ۶:۲۸

شرق

«محمدعلی اسلامی‌ندوشن» در بزرگداشت «فریدون مجلسی»:

مردی که در تحولات، یکسان مانده است



شرق: «من در خانواده‌ای بوم که از نظر فرهنگی در سطح بالاتر جامعه قرار داشت. زمانی که من به‌دنیای آدمم جنگ جهانی دوم به شدت ادامه داشت، ایران از یک حکومت مقتدر دیکتاتوری رهیده بود و در یک چنین زمانی من به دنیا آمدم و در نتیجه خیلی سیاست‌زده بار آمدم. یک عمر عادت کرده بودم به گزارش‌نویسی سیاسی. این شغل من بود. پس از بازنشنگی‌ام از این حرفه، حالا گزارش‌نویسی تمام شده بود ولی قلمم مثل یک اعتیاد با من گلاویز بود. قلمم را به سمت ترجمه بردم. یعنی یک زندگی ادبی را در موارات با یک زندگی بی‌ادبی آغاز کردم. با آن بی‌ادبی باید زندگی‌ام را تأمین می‌کردم و با ادبی باید نیازهای درونی خودم را برآورده می‌کردم احساس من این بود که مرحله‌ای از زندگی‌ام تمام شده اما زندگی تمام نشده» اینها بیوگرافی «فریدون مجلسی» بود از زبان خودش در مستندی که به‌بهانه بزرگداشت او در سالن امیرخانی خانه هنرمندان بخش شد. بزرگداشتی که به همت اهالی انجمن تاریخ ایران برگزار شد به پاس یک عمر فعالیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این دیپلمات شناخته‌شده ایرانی و نابلو خوشنویسی شده که به او تقدیم شد. بزرگداشتی که در آن چهره‌های مطرحی همچون دکتر محمدعلی اسلامی‌ندوشن، دکتر علی‌قلی محمودی‌بختیاری و استاد غلامحسین امیرخانی سخنرانی کردند.

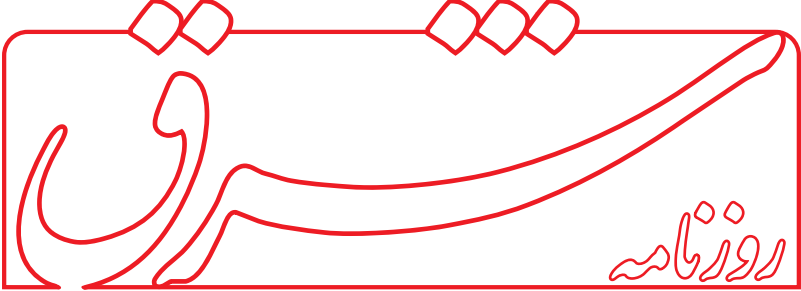
دکتر ندوشن نخستین کسی بود که روی سن آمد تا از سجایای «فریدون مجلسی» بگوید. او که از زمان تحصیل در دانشگاه تهران با «مجلسی» آشنا بوده و حالا بیش از ۵۰ سال است که او را می‌شناسد، درباره‌اش می‌گوید: «در مدت عمر «فریدون مجلسی» تحولات تاریخی و اجتماعی زیاد بوده و اصولا تحولات اشخاص را تغییر می‌دهد، اما آنچه من از «فریدون مجلسی» دیدم این است که او جزو معدود افرادی است که در همه این سال‌ها یکدست و یکسان مانده و خط مشخصی را در زندگی‌اش در پیش گرفته، چه زمانی که او عضو وزارت خارجه بود و چه زمانی که بازنشسته شد. بازنشستگی او به خافنشینی و بیکاری ختم نشد بلکه دوره دومی در زندگی او آغاز شد با کتاب‌هایی که او نوشت و ترجمه کرد یا مقالاتی که به‌طور مداوم در مطبوعات منتشر کرد، بنا براین می‌توان گفت بازنشستگی او کمکی شد به فرهنگ ایران که ایشان توانست خودش را از اشتغال اداری رها کند و برپرداز به قلم. قلم صرفا مهم نیست، نوع قلم‌زدن است که مهم است. بنابراین آنچه اهمیت عمده دارد دانشمند بودن نیست بلکه انسان‌بودن است و این مسأله‌ای است که پس از سال‌ها آشنایی با ایشان پی‌بردم به نیاتشان. و این نیت بسیار مهم‌تر است از عملی که ایشان پی‌گرفته است. به این دلیل که همه می‌دانیم این دوران ۵۰ساله اخیر، دورای بوده که وسوسه‌های بسیار و لغزش‌های بسیاری در آن بود و دوران، دوران منزلق‌تری بود و در بوته آزمایش کمتر کسانی بودند که توانستند لغزشزد و درست

زاویه دید

در ستایش انسانیت

حامد طباطبایی

روزانه آدمی با افرادی خواه معروف و خواه ناشناس برخورد دارد که این تعاملات، چه کاری باشد و چه غیر از آن، حسی در آدم ایجاد می‌کند. گاهی پیش می‌آید که حتی سالیان دراز است کسی را می‌شناسی اما کوچک‌ترین حس خوشایندی نداری و گاه برعکس، در اولین باری که با او هم‌صحبت می‌شوی آنچنان هم‌زبانی به اوج می‌رسد که گویی دیرزمانی است او را می‌شناسی. در پی تهیه مستندی از زندگی استاد فریدون مجلسی، سعادت با من یار شد که زمانی در کنار ایشان باشم. در همان لحظه‌اول حس آرامش را در درون یافتم و در طول تهیه و ضبط مستند، صراحت، دانیایی و شجاعت در گفتارش به دل می‌نست. با ترجمه‌ها و نوشته‌هایش آشنا بوده و هستم که یکی از یکی بهتر و آموزنده‌تر هستند، ولی آرامش و صداقت خودش به‌عنوان انسانی وارسته، جلایوی دیگر دارد که الحق، وصف آن در کلام استاد محمدعلی اسلامی‌ندوشن کامل بود: «آقای فریدون مجلسی را به‌نهایت به‌عنوان یک فرد دانشمند بلکه به عنوان یک انسان می‌شناسم. برای اینکه دانشمندبودن آسان و انسان‌بودن سخت است. به‌خصوص در جامعه ما که در این ۵۰سال گذشته جامعه ویژه‌ای بوده و تغییرات و تحولات زیادی را طی کرده، چه زمانی که عضو وزارت امور خارجه بود عضوی آبرومند بود و چه



شنبه ۰۸ آبان ۱۳۹۲ از ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ ۲۰ نوابر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۷۱ صفحه ۱۶

تلاش خانواده حاتمی برای احیای سینما «جمهوری»

شرق:در حوالی پنجمین سالگرد آتش‌سوزی سینما جمهوری، خبرگزاری میراث‌فرهنگی با اعلام خبر مزایده این سینمای تاریخی خبر داد: «قرار است سه‌دلنگ مشا از شش دانگ ملکیت و سه‌دنگ منافع سینما به‌صورت وکالتی واگذار شود» زهرا حاتمی، همسر مرحوم علی حاتمی در توضیح این خبر به «شرق» گفت: «پیشنهاد مزایده از سوی خانواده حاتمی بوده و امیدواریم بتوانیم با خرید این سینما، دوباره آن را راه‌اندازی کنیم» این سینمای ۵۵ساله که پیش از انقلاب نام نیاگارا را بر سر در خود داشت، مدتی توسط محمدعلی فردین و پس از آن توسط مرحوم حاتمی اداره می‌شد.



از هر نظری ضرر

گیر معاونت مطبوعاتی به ما

و گیر ما به معاونت مطبوعاتی



پوریای عالمی

● معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد اعلام کرد: مطبوعات به‌ازای هر تذکر کتبی که از هیات نظارت بر مطبوعات بگیرند، ۱۰درصد از پاره‌خود را از دست می‌دهند.

گیر ۱۰درصدی: آقای معاونت مطبوعاتی، واقعا به‌ازای هر تذکر کتبی ۱۰درصد؟ یک‌دفعه بگو نمی‌خواهی بدهی پدرجان. این پول خودت نیست‌ها. که ندهی بماند ته جیب‌ت. باید به‌هرحال بدهی برو. به روزنامه‌های مستقل نده، عیبی هم ندارد از قدیم هم گفتند پاره‌له مطبوعات را نه به مطبوعات مستقل می‌دهم، نه به نشریات ادبی، گنده کتم به نشریات ختنی و حامی و الکی‌یلکی می‌دهم. عزیزجان، صندوق دولت خالی است، چرا توی دل مطبوعات را خالی می‌کنی.

گیر الکی: بعد هم عزیزجان، این‌همه بهانه برای گرفتن، باید بهانه ما را بگیری و عدل گیر بدهی به تذکر کتبی؟ بفرم! خب بگو یا ما مشکل شخصی داری. اگر شما به‌ازای هر تذکر ۱۰درصد پاره‌له را به روزنامه‌ها ندهی، روزنامه هم بگوید چیزی که عوض دارد گله ندارد و به‌ازای هر تذکر کتبی هم ۱۰درصد از ما کم کند، هم به‌خطر زبان ۱۰درصدی که شما بهش می‌زنی، ما را مجبور کند به بیگاری و شستن ظرف‌ها، چه کسی پاسخ‌گوست؟ آیا اگر فردا به‌خطر این ۱۰درصد روزنامه ما را استثمار کرد و به‌عنوان کودکان کار از ما کار زیادی کشید، شما شب با خیال راحت سر بر بالش می‌گذاری؟ بعد هم، از فردا حقوق بچه‌ها بالا و پایین بشود، دیر و زود بشود، همه می‌گویند تقصیر این عالمی است که تذکر ۱۰درصدی می‌گیرد. معاونت‌جان، خودت با ما دشمنی داری، دوستان را با ما دشمن کن.

گیرباز ۱۰درصدی: آن‌وقت اگر به ما تذکر بدهی، ۱۰درصد از پاره‌له کم کنی، به کهپان و جوان‌ان تشویقی می‌دهی و ۱۰درصد اضافه می‌کنی؟

ملاصرت‌الدین چه گفت؟

یکی از فلاسفه، مشهور به ملاصرت‌الدین، در پاسخ به یکی از جراید و مطبوعات زمان خود که طلب طناب و پاره‌له کرده بود، گفت: دارم ولی روش... پهن است. صاب‌جریده گفت: یعنی چی پاره‌له نمی‌دهی؟ و یعنی چی روی طناب آرنن پهن کردی؟ ملاصرت‌الدین که از معاونان مطبوعاتی زمان خود بود گفت: من به شما طناب‌بده نیستم. همین یک دلیل کافی است که به تو قرضش ندهم. پاره‌له هم به همین منوال گلم. پس بی‌زحمت گیر نده.

منخب‌الدوله

جشن تولد «استادمحمد»

● **شرق:** کانون کارگردانان خانه تئاتر با همکاری تماشاخانه ایرانشهر شنبه ۱۱ آبان جشن تولد ۶۳سالگی «محمود استادمحمد» را در سالن استادناظرزاده کرمانی این تماشاخانه برگزار می‌کند. در این برنامه بخشی از نوشته‌های او توسط چند نفر از هنرمندان خوانده می‌شود. خاطره‌گویی و تعریف خواب‌هایی که دوستان «استادمحمد» درباره او دیده‌اند، اجرای قطعاتی موسیقی و رونمایی از کتاب کانون کارگردانان خانه تئاتر که ویژه «محمود استادمحمد»، «محمد آستیم» و «عباس نعلبنديان» است از دیگر بخش‌های این برنامه است.

«کتاب کار بردی و نمایشگاهی»

در دانشگاه تهران

● **شرق:** یازدهمین دوره نمایشگاه کتاب‌های کاربردی و دانشگاهی از ۱۲ تا ۱۵ آبان در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار می‌شود. در دوره‌های پیشین، این نمایشگاه در سالن کانون پرورش‌فکری کودکان‌ونوجوانان برگزار می‌شد اما امسال کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران میزبان نمایشگاه خواهد بود. ناشران بزرگ جهان با عرضه جدیدترین کتاب‌های خود در تمامی موضوعات در نمایشگاه شرکت دارند. در این دوره که با حضور ناشران عضو انجمن برگزار می‌شود حدود ۲۷ناشر شرکت خواهند داشت.

کلفروشی چهره‌ها

برای حمایت از کودکان

● **شرق:** بهاره رهنما، امیرحسین رستمی، ابوالفضل جلیلی، حسین رفیعی و محسن حاجیلو به خیابان‌ها رفتند و به‌صورت نمادین همراه کودکان به ماشین‌های عبوری گل فروختند. این برنامه که با استقبال گسترده عابران و همشهریان مواجه شد حال‌وهوایی متفاوت در خیابان‌های اطراف فرهنگسرای اندیشه به‌وجود آورد. این برنامه همچنین در آملی تئاتر این فرهنگسرا هم برگزار شد.



احسان گنجی

ehsanganji58@gmail.com



کافه

نظر

کودکان کار در رستوران، توجهی از جنس نمایش

عسل عباسیان: روز اول و دوم هفته، رستوران گردی، مهربانی و کودک‌نام‌گذاری شده بود و بر گزارش‌کنندگان اعلام کرده بودند یک هدف را دنبال می‌کنند که آن هم توجه به کودکان کار است. در این هفته ۱۲ رستوران به‌صورت رایگان کودکان کاری که تحت پوشش «ان‌جی‌اوها» بودند را قرار بود پذیرایی کنند. معلوم هم نشد واقعا این تعداد به رستوران‌ها رفتند یا نه؟ تصاویری که در گوشه‌و‌کنار از این اتفاق مخایره شد، تصاویری بود که احساسات را به گونه‌ای زمین‌خوار می‌کرد. در این زمینه چند نکته مطرح می‌شد: مثلاً این اتفاق یکباره آیا کمکی به حال کودکان این‌گونه می‌کند یا خیر؟ آیا این روند ادامه خواهد داشت؟ آیا «ان‌جی‌اوها» باز هم حامیان کودکان در این‌گونه برنامه‌ها خواهند بود؟ توجه‌هایی همراه برگزاری این برنامه‌ها بود، اینکه کودکان هیچ‌وقت امکان رفتن به رستوران‌های شبک را نخواهند داشت و با این کار می‌توان کودکان کار را تشویق کرد که تحت پوشش «ان‌جی‌اوها» قرار بگیرند و از این راه، تسهیلات دریافت کنند. نظرات چند نفر از اهالی هنر، اقتصاد و سیاست که دغدغه‌های اجتماعی دارند را در ادامه درباره رستوران‌گردی کودکان کار، پرسیده‌ایم.

تهمینۀ میلانی ◀ کارگردان



اصولا موافق کارهای زیربنایی هستم. روحیه من با مصرف قرص مسکن برای آرام‌گرفتن درد به‌جای درمان کردن آن، سازگار نیست، بلکه معتقدم باید با هر درد ریشهای مقابله کرد. وقتی معضلی به‌نام کودکان خیابانی وجود دارد، باید این معضل را به‌طور بنیادین از بین برد نه اینکه برای مدتی به این کودکان لطف کرد و به آنها یک وعده غذای خوشمزه داد. باید حق اصلی‌شان را به آنها داد. وقتی مشکلی مثل معضل کودکان کار و خیابانی پدید می‌آید به این معناست که حتماً عده‌ای حقتشان را انگونه که باید، از منابع ثروت کشورشان دریافت نکرده‌اند. مخالف دلجویی کردن نیستم و معتقدم در شرایط کنونی به هر وسیله‌ای باید انسان‌ها را زنده نگه داشت تا کارهای بنیادین انجام پذیرد بنابراین بهترین کار در شرایط فعلی جامعه‌ای که با بحران‌های جدی روبه‌روست، این است که هر یک از ما در حد توان به باری هم‌میهنان خود برخیزیم. به گمان من، حالا که دولتی روی کار آمده که با وجود خزانه خالی، این شانس را دارد که حتی از مردم برای کمک به هم‌وطنانش کمک بگیرد، اگر به اصولی که به خاطرش رای آورده وفادار بماند، حتماً کمک مردم را برای از بین‌بردن معضلات اجتماعی از این دست، به عنوان پشتوانه‌اش خواهد داشت.

عماد افروغ ◀ نماینده مردم تهران در مجلس هفتم



کار کردن کودک اصلا نشانه خوبی نیست. باید ببیندشیم که چه سیاست غلطی منجر به ایجاد مقوله‌ای به نام کودکان کار شده است. حالا در این بین، اینکه شهرداری تهران خواسته کمکی به این کودکان بکند، اصلا بد نیست اما باید دید چه هدفی را دنبال کرده و این اقدام بر اساس چه طرحی صورت گرفته است. آیا منظور این بوده که این بچه‌ها با یک نوع زندگی دیگر آشنا شوند یا با کار در رستوران؟ باید قبل از هر چیز، اهداف این پروژه شفاف‌سازی شود.



پریوش نظریه ◀ یازبگر

به‌نظر من رستوران‌بردن کودکان کار، بیش از اینکه اقدامی خیرخواهانه باشد، شبیه نمایش است و به نوعی گول‌زدن این کودکان و تبدیل کردنشان به «سلطان‌های یک‌شبه». آنها فقط یک‌شب سلطانی می‌کنند و بعد به زندگی عادی و تلخ خود بازمی‌گردند و این تاثیر خوبی بر روح و روان آنها نخواهد داشت. اگر قرار است اقدامی برای این کودکان انجام شود باید اقدامی بنیادین باشد. این کار، صرفا یک اقدام نمادین است که متأسفانه بر‌خورد نمادین با معضلات اجتماعی نتنها فایده‌ای ندارد که گاهی مشکل ساز هم هست.



حمید حسینی ◀ عضو اتاق بازرگانی تهران

نمی‌دانم که هدف از رستوران‌گردی کودکان کار دقیقاً چه بوده‌است اما به‌طور کلی اینکه برای بچه‌های بی‌سرپرست و کودکان کار اقدامی صورت گیرد اتفاقی خوب و مثبت است و همین دیدار کوتاه می‌تواند سبب آشنانشان این بچه‌ها با رستوران‌داری به‌عنوان یک صنعت شود. شاید هم بتواند در شکل گرفتن راه‌اندешان تاثیر گذار باشد. اما این سوال هم برابم مطرح است که این اقدام چه تاثیری می‌تواند در صنعت رستوران‌گردی داشته باشد.